تقریر درس

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

صفحه ۳۴۶

آیه ۶۴ و ۶۵

این دو تا رو امشب وارد می‌شی.

دیشب عرض کردم که این آیه ۶۳ از بس که مهم بود دو شب وقت ما رو گرفت. و دوستان اهل علم، دوستان خیلی به من محبت کردن، گفتن واقعا سخته آقا قرآن، گفتم آره. باور کنی قرآن منو پیر کرد. من اگه بگم «تعریف الرجل علی نفسه قبیح» مرد نباید بر خودش تعریف کنه. والا دوستان می‌دونن حداقل من روزی دوازده تا ساعت تو قرآن بودم، تو قدیمای منن دیگه. واقعا یادته من چقدر تو قرآن بودم؟ باز نمی‌فهمم. نمی‌فهمم به خدا. حالا نمی‌فهمم. چندمین دوره دارم درس می‌دم یادته؟ دوره شما دوره دوم بود. الان ششمین دوره است. باز نمی‌فهمم. کی می‌گه قرآن راحته؟ نگید قرآن راحته. اینا بیست سال قبل پیش من بودن، خیلی ساده. نگید آ طلبه‌ها خیلی گناهکاری، طلبه‌های عزیز، محمدامین، حتی درس خارج، قرآن سخته. نذارید قرآن رو کنار. قرآن با یه ترجمه و تفسیر پیدا نمی‌شه. الان دو شب ما داریم جون می‌کنیم اون آیه رو حلی کنیم. الان امشب ببین اینجا. ببین آیه رو اول بخونیم: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ * لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ ۖ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ﴾[1]

خب، عنوانی که می‌خوام بهش بدم عنوان اینه: سرنوشت رفاه‌زدگان در منطق قرآن. خیلی به‌روزم هست نه؟ خیلی به‌روزه. باور می‌کنید چه سرنوشتی دارن آدم‌هایی که مرفه‌ان و مرفهین بی‌درد؟ مرفهینی که غافل از دنیا و آخرت‌ان فقط همه تلاششون اینه که برن تفریح و برن این طرف و اون طرف و همین. مشکلی رو حل نمی‌کنن دردی از جامعه دوا نمی‌کنن، دست یه جوونی بگیرن دست کسی رو بگیرن این‌جوری نیستن.

اگه نگاه کنید این «حتی»، «حتی» غایت است. اگه اینو نگاه کنید دقیقا این «حتی» می‌شه

(۱) سوره مؤمنون، آیات ۶۴–۶۵.

«حتی» غایت. خیلی عجیبه ها. چرا یه دفعه اینجا غایت رو آورد؟ آقا، فکر کنید طلبه‌های عزیز، دوستان بزرگ، متفکرین، فکر کنید چرا یه دفعه غایت رو اینجا آورد؟ می‌خواد بگه این غفلت، این بی‌خبری از قرآن، اهل بیت، بی‌خبری از تقوا برای عده‌ای استمرار داره. متاسفانه تا دم مرگ مستمرا همچنان بی‌خبر می‌مونن. یه دفعه که عزرائیل اومده «ح» دهنش باز می‌مونه. خب دیگه باید بری دیگه. این «حتی» رو برای همین آورده. پس پیام اول اینجای از این «حتی» فهمیدیم. عزیزان، اگر گرفتار رفاه‌زدگی بشید مسجد رو ول کنید حوزه رو ول کنید روحانی رو ول کنید همه‌چی رو ول کنید گرفتار یه غفلت طولانی تا دم مرگ می‌شید. متوجه هستید؟ اینه. تا کی؟ تا کی این غفلت ادامه داره؟ ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا﴾[2] ما اومدیم، ﴿أَخَذْنَا﴾[3] یعنی چه؟ ما دیگه وارد شدیم که این آقا رو از این دنیا ببریم. ﴿أَخَذْنَا﴾[4] دیگه، این ﴿أَخَذْنَا﴾[5] یعنی «قبضنا» می‌خوایم قبض روح کنیم. متوجه شدین این پیام دوم. پیام دوم این شد که آقا جون من، ﴿أَخَذْنَا﴾[6] ما قبض روح می‌کنیم. ما هستیم می‌بریم. «إنه أمات وأحيا»، «إنه أضحك وأبكى» ما هستیم. ﴿أَخَذْنَا﴾[7] ماییم.

باور می‌کنید خدمتتون عرض کنم که الان یه دیداری داشتم دو تا جوون اومده بودن گفتن که فلان مثلا خدمتتون عرض رمال به ما گفتش که بابات می‌میره. همون‌جور گفت درست درآمد. گفتم بابا خاک بر سرت. رمال مگه می‌دونه بابات کی می‌میره؟ مرگ فقط دست کیه؟ خداست، دست کسی نیست. کسی نمی‌تونه بگه چه شما باور... بابات بنده خدا خودش هم خبر نداشت که باید بمیره. نگید، این حرفا چیه.

ببینید ﴿أَخَذْنَا﴾[8] ما می‌گیریم. ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾[9] ﴿مُتْرَفِينَ﴾[10] ببین این اصلش بود «مترفین». «مترفین»، نون در حال اضافه افتاد. لذا می‌گه ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾[11]. ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾[12] یعنی چه؟ مترف از ترفه. ترف به معنای وابستگی‌های کاذب. هر چی وابستگی‌های کاذبه بهش می‌گن گول‌زن، فریبنده، بهش می‌گن ترف، ترف با ت دو نقطه. رفاه‌زده‌ها نعمت‌هایی که دارن گول‌زنه، فریب‌زنه، از این جهت از این واژه استفاده کرد و گفت ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾[13]. ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾[14] یعنی رفاه‌زدگان همین طایفه مشرکین، همین طایفه مشرکین کفار. چرا از این واژه، واژه استفاده کرد بازم تکرار کنم؟ برای خاطر اینکه می‌خواد بگه که عزیز دل من، اینا که هی نعمت نعمت روزی روزی می‌کردن حواسشون نبود این وابستگی به این روزی فریبنده بود، کشنده بود خبر نداشتی. پدرتو درآورد. بله عزیزم. خودت متوجه نبودی.

چه بسیاری از ثروتمندان عزیز از دنیا رفتن نتونستن از دنیاشون بهره‌مند بشن. ما یه زمانی

(۲) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۳) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۴) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۵) سوره مؤمنون، آیه ۶۴.
(۶) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۷) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۸) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۹) سوره مؤمنون، آیه ۶۴.
(۱۰) سوره واقعه، آیه ۴۵. (۱۱) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۱۲) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۱۳) سوره مؤمنون، آیه ۶۴.
(۱۴) سوره مؤمنون، آیه ۶۴.

روغن‌نباتی قو داشتیم. یه روغن‌نباتی داشتیم خدمتتون عرض کنم که شرکتشم خیلی خدمتتون عرض مطرح بود. روغن‌نباتی قو. اون زمان ما بود. این حاجی بیچاره حاج‌حسین آقا دو تا پسر داشت. پسر اول غرق در نعمت باباش شد و شب بره تفریح و فلان سرمایه بابا رو در اینا هزینه کنه البته سرمایه خیلی بود. این سرطان مری می‌کنه می‌گیره می‌میره. می‌میره. آقا جون من، پسر دوم ایشون گفت الان دیگه تنها وارث منم دیگه. اینم که گفت تنها وارث منم اینم چی شد آقا؟ اینم گرفتار همین سرطان مری‌اش شد اینم رفت. آقا این روغن‌نباتی قو و این زمینا حتی تو بابل ما الان این منطقه میدون هلال‌احمر به اینور همه مال این بود. همه اینا مال دولت شد. وارثی نداشت. عجیبه ها این قبل از دانشگاه می‌ریم، دانشگاه فنی، این قسمت الان همه مجتمع شده. آره دیگه همون‌جا. اصلا واقعا ها اینه «الله‌اکبر» ببینید دلبستگی به یک رفاه بیچاره می‌کنه آدمو. نابود می‌کنه این وابستگی به رفاه. این همین یخچال امرسان هست، همین امرسان، همشون از بین رفتن. این امرسان از فک و فامیلم، فامیلم. این بنده خدا بیچاره گریه هم می‌کرد من منبرشم من رفتم. اینقدر اومدن از اروپا از همه‌جا خدمتتون عرض بعد اینا مغرور شد دخترشون بعد فلان همین همه رفتن دیگه. الان امرسان شد مال یکی دیگه. همین جوری حواستون باشه ها.

خدا رحمت کنه شیخ کبیر بزرگ رو. خدا رحمت کنه مرحوم شیخ کبیر بزرگ، سیدالعلماء، آقا بزرگا. قدیما حمام می‌دونی که خدمتتون خزینه داشت. کدخدا اومد و کدخدا رو با سه چهار تا خادم و نمی‌دونم یکی کله‌شو بشوره یکی ماتحتشو بشوره، بالاخره یه ابهتی داشتن اینا. کدخدا با این‌جوری، این بیچاره حاج‌آقا آیت‌الله العظمی مرجع تقلیدیست که نیومد یه پشتشو یه دونه کیسه بکشه. گفتش که: «آشیخ کبیر!» گفت: «بله.» گفت: «ببین! نه من این‌همه خدمه، هیچکی نیست یه تو کله‌ت یه آب بریزه.» آشیخ کبیر یه نگاهی کرد هیچی نگفت. خودشون گوشه شست و اینا و بالاخره زمان صبر کرد ببینه کدخدا کی می‌ره داخل اون خزینه، اینم بره. هر دو تا رفتن دو نف داخل خزینه و گفت که: «کدخدا!» خان بود، گفت: «خان!» گفت: «چیه؟» گفت: «چی آوردی داخل خزینه؟» گفت: «چی آوردم چی؟» گفت: «نه چی آوردی؟ از این‌همه باغ و سرمایه و اینا چی آوردی الان داخل خزینه؟» گفت: «یه دونه لنگ دیگه.» یه دونه لنگ. گفت: «ولی من همه‌چیزی که دارم آوردم. تمام فقه آل محمد رو سینه منه الان اینجا هست. بمیرم تو قبرمم هست.»

این می‌ره منزل می‌بینه راست می‌گه. می‌آد خدمت ایشون این چی بود اون مسجدی هست که من خودم منبرم رفتم از ذهنم رفت اون حاج‌آقا اسم واقع بس خدمت بزار یادم بیاد همون مسجدی که بچه‌های هیئت دارن الان، ها؟ نه نه اون مسجد رو می‌گم، خدمتتون به نام ایشون

الان شده... آها قهاری آره، این قهارخان همین آقاااا. بعد این آمده و آقا خونه و گفت: «حاج‌آقا حق با توئه. من تمام این زمین و اینا هر کار می‌خوای بکنی بکن. من می‌خوام راه تو بیام.» که الان می‌دیدی آقا عاقبت به خیر شد قهار، قهار معروف شد. تمام اموالشو وقف کرد یه سری برای علما و یه سری برای حوزه و با امثال اینا. چی آوردی اینجا رو بگو چی آوردی. آره.

لذا بعد آخرش ببین همین‌جوری بریم ذره‌ذره بریم جلو ﴿أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ﴾[15] ما اخذ می‌کنیم ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾[16] یعنی این از رفاه‌زدگان منحرف، غافل، وابسته به دنیا، بی‌دین اینا رو می‌گیریم ﴿بِالْعَذَابِ﴾[17]. آقا این عذاب چیه؟ عذاب استیصاله. عذاب استیصال چیه؟ یه دفعه مثلا خدمت تگرگ می‌آد یارو رو دیگه نابود می‌کنه. یه دفعه آتش‌سوزی می‌شه یه دفعه سونامی می‌آد. سونامی همه رو نابود می‌کنه اینو می‌گن عذاب استیصال. من با عذاب استیصال همه رو می‌گیرم بعد می‌گیرم چیکار می‌کنم؟ ﴿إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ﴾[18] ﴿إِذَا﴾ یعنی... یعنی «إذً»، این «إذً» بود. یعنی در این هنگام، در این هنگام ﴿هُمْ﴾ این کفار رفاه‌زده چی می‌شن؟ وقتی این عذابو می‌بینن ﴿يَجْأَرُونَ﴾[19]. ﴿يَجْأَرُونَ﴾[20] یعنی چه؟ مثل سگ زوزه می‌کشن. «یجأر» یعنی ناله، زاری، زوزه. مثل سگ زوزه می‌کشه استغاثه می‌کنه. «الله‌اکبر». هر چی می‌گیم بابا استغاثه نکن زوزه نکش، هر کاری می‌کنیم نه، زوزه می‌کشه. لا اله الا الله. می‌تونی ورق بزنی اسراء رو بگیری، ها؟ اگه می‌تونی ورق بزنی اسراء رو بگیری خیلی خوبه ها این آیه ۱۶ اسراء رو بگیر. این آیه ۱۶ اسراء اونجا بحث مفصل کردیم صفحه ۲۸۳. صفحه ۲۸۳ ببین لا اله الا الله. لا اله الا الله. مردم راه علما راه خرابی نیست والله مردم به راه علما پیوند بزنید. آی ای مردم از این خونه‌های خوشگل و چهار تا دیپلم نمی‌دونم مبلمان و اینا نگاه نکنید مردم، چیزی همراهتون نمی‌آد. مردم از این ماشین‌های چند میلیاردی و اینا نه. پریروز یه ماشینی بود ۱۱۰ میلیارد در ظرف ده دقیقه پر شد ثبت‌نام کردن. خب که چی؟ که چی مثلا؟ الان دعوا بین دولت و همه هستش که آخه ۱۱۰ میلیاردی نداریم ما. همش ۲۳ میلیارده بقیه کلاهبرداریه. به هر حال الحمدلله رب العالمین رئیس‌جمهور ما در مدیریت خیلی قویه دیگه چیکار کنیم؟ خدمت این اتفاقات می‌افته دیگه. والا. نه به جای اینکه نهج‌البلاغه بخونی اینا رو درست کن. والله به خدا قسم ما نهج‌البلاغه ازت نمی‌خوایم. اینو یه جلو اینو بگیر. اینی که شفافه. والا. اونی که نهج‌البلاغه رو خلق کرد علی ابن ابی‌طالب جلو اینارو می‌گرفت. خلق نهج‌البلاغه خوندن نهج‌البلاغه کاری نداره که منم می‌تونم بخونم. عزیز دل من این همین همین همین هنوزم ساکت که سکوت کردی هیچی هم نگفتی. سه هزار نفر هم اسم نوشتن. آقای رئیسی اصلا نهج‌البلاغه نمی‌خواد عمل... دیگه خدمتتون عرض کنم که بخوای شما هم با من

(۱۵) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۱۶) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۱۷) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۱۸) سوره مؤمنون، آیه ۶۴.
(۱۹) سوره مؤمنون، آیه ۶۴. (۲۰) سوره مؤمنون، آیه ۶۴.

حرف بزنی پس من منبر می‌آم پایین شما منبرو می‌دم به شما دیگه. پس بزار من یه طرفه باشم. تو کار آخوند دخالت نکن ها. خب، خدمتتون عرض کنم که آقا، حواست باشه. تو کار آخوند مگه دخالت می‌کنن دخالت... بزار ما کارتتون دخالت کنیم. یه طرفه‌ست. کاری ندارم. آقا جون من ببین چی داره خیلی جالبه ها به این نگاه کنید گوش بدید اینجا: ﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا﴾[21] دیدی؟ ﴿فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾[22] حالا تیپ ما رو دیدی؟ ما اگه بخوایم یه جایی رو نابود کنیم اول امر می‌کنیم. می‌گیم این نمازو بخون روزه رو بگیر فلان فلان فلان بعد اینا که خدمتتون عرض اهل رفاه‌زده هستند نمی‌خونن بعد چیکار می‌کنیم؟ اینا همه رو نابود می‌کنیم ﴿دَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾[23]. اینا رو همه رو می‌زنیم و نابود می‌کنیم. متوجه شدید آقا؟ اینه.

ببینید خودش اینجا داره می‌گه. پس ما الکی کسی رو نمی‌زنیم. ما حواسمون جمعه. کسانی رو می‌زنیم که اول دستور می‌دیم دینو می‌آریم، قرآنو می‌آریم، ها، همه‌چی رو می‌آریم، اگه با جلو خدای ایستادی و شدی مترفین، شدی دل‌وابسته‌ی دنیا و رفاه و خدا رو کنار گذاشتی و غفلت تو رو گرفته، چنان می‌زنیمت که بخوری زمین، از جا برنخیزی.

لا اله الا الله، چی بگم آقا، چی بگم. همه‌تون علی‌بن‌مهزیار رو می‌شناسید. ها؟ اسم علی‌بن‌مهزیار رو شنیدید همه‌تون. علی‌بن‌مهزیار ۱۹ سال برای زیارت امام‌زمان دوید. بعد از ۱۹ سال امام راهش داد. گفت «آقا»... ببین خیلی جالبه‌ها، گفت «آقا» گفت «بله»، گفت «چرا راهم ندادی ۱۹ سال؟» فرمود: «چون حبّ دنیا تو دلت بود». لا اله الا الله، ما اینه که راهمون نمی‌دن، چون حبّ دنیا تو دلمونه.

۲۵ تا نامه بهش داد که بیاره اهواز. آقای خویی ۲۵ تا نامه رو توی معجم‌رجالش می‌آره. داده که بیاره اهواز برسونه به اهواز خدمت حضرت. این نامه رو گرفت، این عقب‌عقب می‌رفت. ببین مثل امام‌رضا می‌ری زیارت عقب‌عقب برمی‌گردی دیدی؟ این عقب‌عقب، دل نداشت که امام تو اون رأس خیمه نشسته بود این‌جوری بیاد. عقب‌عقب. امام بلافاصله تا نزدیکای دم خیمه رسید، امام فرمود که «علی» اسمشو برد «علی». علی ندوید، دوید خودشو زد جلو امام زمین. شروع کرد پای امام بوسیدن، جیغ زدن. امام فرمود: «من چیزی نگفتم فقط گفتم علی». گفت: «صدای تو رو شنیدم خون من به جوش آمد، لرزید، بی‌خود شدم از خودم. آقا تو معشوق منی، تو جان منی، من قابل باشم تو منو صدا بزنی؟ تو منو صدا بزنی بگی علی؟ من قابل باشم صدام بزنی؟ علی». چه عجیبه.

حالا ببینید بعد چی می‌گه. اینا دارن جیغ می‌زنن. خدا چی می‌گه؟ می‌گه «جیغ نزن، پایان

(۲۱) سوره اسراء، آیه ۱۶. (۲۲) سوره اسراء، آیه ۱۶. (۲۳) سوره اسراء، آیه ۱۶.

عمرته، دیگه برنمی‌گردی. ای خر خدا، این‌همه بهت می‌گفتم به فکر قیامت باش، به فکر قیامت باش، یک دورکعت نماز نداری. این‌همه گفتم به فکر دیانت باش، یک دونه نماز نداری».

بنده‌ی خدا خدمتتون عرض کنم جالبه‌ها، اصلاً خاطراتی‌ها، تو شهر ری ما، شهر ری ما، خدمتتون عرض کنم بنده‌ی خدا چندبار پیاده‌روی اربعین آمده کل مغازه‌ی طلافروشیشو خالی کرده. به نام اربعین پیاده‌روی بیچاره جذبش کرده اینو آورده سرکار فردا آمده دید از این نیست، خودش هم نیست، طلا هم نیست. کل گله‌کیسه برده. لا اله الا الله، از چه راهی می‌آن. بابا خیلی سخته‌ها.

یعنی حتی از راه قرآن، از راه امامه، از راه دین، از راه امام‌حسین. خب امام‌حسین که این‌جوری نبود که، امام‌حسین همه‌چی‌شو در راه خدا داد.

لذا می‌گه ﴿لَا تَجْـَٔرُوا الْيَوْمَ﴾[۲۴]، «لا تجأروا الیوم» یعنی امروز که روز عذابه. امروز که روز عذابه، جیغ‌وداد نکش، ناله نکن، ﴿إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ﴾[۲۵]، «به‌درستی که تو از جانب ما هیچ‌گونه یاوری نداری». تو تمام پل‌ها رو زدی و شکوندی. همه‌ی پل‌ها رو خراب کردی. خدا رحمت کند استاد بزرگوار ما رو، می‌فرمود که: «ببین، این‌قدر گناه نکنید که همه‌ی پل‌ها رو خراب بکنید». الله‌اکبر.

حتماً سوره‌ی فرقان آیه‌ی ۸۴-۸۵ هم مطالعه کنید، اون‌جا هم داره که وقتی که دم مرگ شد، وقتی که مرگ ناظر شد، عزیز دل من بهت بگم دیگه فایده نداره‌ها برگردی بگی که «منو برگردون منو برگردون»، نه، هیچ فایده‌ای نداره. دیگه ایمان دم مرگ، دم عذاب، فایده‌ای نداره. صفحه‌ی ۳۶۵، چندتا ورق بزنی می‌آی، ۳۶۵-۳۶۶ رو بزن، ۳۶۶ مشخصه دیگه، آخر صفحه است همون‌جا. نگاه کنی اصلاً ۸۶ رو... لا اله الا الله.

واقعاً این‌جوریه، اصلاً نمی‌شه عزیز دل من. سوره‌ی غافره‌ها، سوره‌ی غافر، من آدرس اشتباه زدم ببخشید جلو. سوره‌ی غافر، سوره‌ی غافر آیه‌ی ۸۶-۸۵. ببین: ﴿فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ * فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا﴾[۲۶]. هنگامی که مشرکان عذاب ما را ببینند می‌گن: «خدا، ما ایمان آوردیم»، من هم به این‌ها می‌گم دیگه این ایمان فایده‌ای نداره. برو گمشو بابا. اون زمانی که سالم بودی ایمان نمی‌آوردی حالا؟

پس ایمان همیشه بدونید، ایمان در زمان عذاب فایده‌ای نداره. فرعونیان هم وقتی توی اون دریا غرق شدن گفتن ما الان ایمان آوردیم، خب خدا هم گفت الان؟ دیگه حافظی دیگه بخون آیه رو دیگه، بخون. احسنت. خب جان من، الآن؟ ﴿آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ﴾[۲۷]؟ تا حالا تو تونستید معصیت کردید الان؟ ﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ﴾[۲۸]. لا اله الا الله.

(۲۴) سوره مؤمنون، آیه ۶۵. (۲۵) سوره مؤمنون، آیه ۶۵. (۲۶) سوره غافر، آیات ۸۴–۸۵. (۲۷) سوره یونس، آیه ۹۱.
(۲۸) سوره یونس، آیه ۹۲.

حواستون باشه. ما باید همه‌ی زندگیمون رو بگذاریم برای همین قضیه. لذا به ما الان می‌گه: «ای مدعیان بازی و نصرت کجایید؟ ای مدعیان یار و یاوری کجایید؟ دیدی ادعا همه دروغ بود؟ دیدی اونایی که بهتون می‌گفتن ما یار و یاور شما هستیم همه کشک بود، دروغ بود؟ دیدی دروغ بود؟ عمری دروغ گفتن. عمری دروغ گفتن». به نام... حدود ۳۵ سال قبل، به نام حفاظت از مردم لبنان ۱۵ هزار سرباز آورد، آمریکایی‌ها، ۱۷ هزار نفر مردم لبنان رو کشتن قتل‌عام کردن. دوباره به نام خدمتتون عرض کنم که فلان، ۱۷ هزار مردم جنازه همین‌جور اون‌جا ریخته بود. امام تازه انقلاب کردیم امام هنوز قدرت نداشت.

باز دوباره به یه نام دیگه اومدن. باز این دفعه دیگه نشد دیگه، دیگه خدمت بچه‌های حزب‌الله تشکیل شدن، اولین زدن ۲۷۰ نفر توی چیز کشته شدن آمریکایی‌ها، جمع کردن رفتن. الآن هم گفتن همون کاری که اون زمان می‌کنیم بکنیم این دفعه دیگه بچه‌ها دیشب گفتن: «ببینید، اگر یک دونه شلیک بر ضایع بکنید، تا امروز نتونستن بکنن، بکنیدها، دوتا شهری که این دوتا شهر اسم بردن دو میلیون جمعیت داره همین الان خالی کنید. دو میلیون کجا برن؟ چنان می‌زنیم خاک‌تپه‌تون می‌کنیم». اینا منطق زور می‌فهمن. دست حاج‌قاسم درد نکنه، اینا منطق زور می‌فهمن.

عزیز دل من، الان روز یاری مظلومان به دست مردم ایرانه. اما دولت خودفروخته‌ش رفته با اونا نشسته داره اون‌جا داره مذاکره می‌کنه، این‌ور اونا دارن قتل‌عام می‌کنن. یعنی خنگ خدا، می‌فهمی؟ اون‌وقت فرانسه بیاد یه نشستی بگذاره. خودش هم نگذاره، فرانسه یه نشستی بگذاره تو شورای امنیت. ببینید چقدر آدم خودفروخته. حالا من دونه‌دونه اسم نمی‌برم از رئیس‌جمهوری این‌ها. خیانت کردن به لبنان. الان هم می‌خوان خیانت کنن، منتهی این دفعه دل مردم لبنان به ایران گرمه. دل مردم ایران... واقعاً لبنان به ایران گرمه. گفت حتی غزه رو هم می‌زنی می‌زنن، دست بچه‌ها درد نکنه، تا غزه دیگه بلافاصله بچه‌های یمن هم بیانیه دادن، بچه‌های عراق هم بیانیه دادن. باید این قدرت تشکیل بشه، این قدرت از ایران تشکیل شده. باید تشکیل بشه و واقعاً اینه. وگرنه آقا تا اینا به ۳۰ سال نرسه دست از سر این ملت برنمی‌دارن، باید به ۳۰ سال برسن. واقعاً عرض می‌کنم.

البته خب چون الان علنی شد و اینا هم می‌ترسن برای خاطر این‌که خدمتتون عرض کنم موشک نصارا خدمتتون عرض کنم خب ۵۰۰ تا به ما دادن، این موشک موشک خیلی قوی‌ایه، بالاخره کره داده به ما. سوخت جامد هم چین به ما داده، بعد موشکامون الان جدید شده، موشک‌هایی که ۲۰ دقیقه می‌کشید بره الان دو دقیقه می‌ره تو اسرائیل. ظرف دو دقیقه، یعنی این‌جا شلیک بشه دو دقیقه بعد اون‌جاست. نصا هم که خیلی خطرناکه، تا اروپا رو می‌زنه، تا

اقیانوس اطلس رو می‌زنه. آقا هم فرمود که این دفعه جنگ فرامنطقه‌ایه، منظور همین بود. ۵۰۰ تا از این‌ها ما داریم، بچه‌ها هم بلافاصله باز کردن، با اجازه‌ی شما، با اجازه‌ی شما آمریکایی‌ها، بچه‌ها هم باز کردن الان ۵۰۰ تا دیگه هم ساختن. این‌جا علمه این‌جاست دیگه، چون علنی شد من دارم می‌گم. اگه علنی نمی‌شد من نمی‌گفتم. دیگه علنی شد دیگه، اینا هم فهمیدن. رادارهایی که الان داریم رادارهای ما مجهزترین راداراست. آمدن امتحان کنن بیان این دفعه تا چیز، هردوتا رو زدیم. اِ، این راداهامونم فرق کرد. اصلاً رادارگریز دیگه نداریم. پرواز رادارگریز به هیچ وجه ندارید. دستشون بسته شد.

دعا کنید اون رهبر شهید ما رو که ما رو به این‌جا رسوند. به قدرت رسوند ما رو. ما شدیم مقتدرترین ابرقدرت جهان. دیشب صبح یه بیانیه داد سپاه، اینا شلواراشون رو خیس کردن دستاشون رو آوردن بالا. تعارف نداریم، باید بشکنه، باید خدمت اینا بشکنن. این از اون روزا نیست. ۵۰۰ تا موشک من دیگه اسمشو تکرار نمی‌گم، اسمشو یه خرده دارم اشتباهی می‌گم عمداً می‌گم که شما متوجه نشید. خدمتتون عرض کنم که این موشک موشک خیلی عجیبیه. تا آمریکا رو می‌زنه. اولین‌جایی هم که بنا داریم بزنیم آمریکا رو آب اون‌جاست. تعارف هم نداریم، شما آبو زدید ما هم باید آب بزنیم. آب شربتون چون آب شربشون خیلی کمه. پالایشگاهتونم می‌زنیم. فرامنطقه‌ای منظور اینه.

آقای قرائتی حدود ۲۵ سال قبل امام وقتی اینو دیده بود خندید، و امام پشت تلویزیون بود، آقای قرائتی نقل می‌کنه. گفته بود: «ببین، پنج قرن دست آخوند بدید نمی‌تونید در بیارید. نباید انقلاب دست ما می‌دادید». آقا مثل این‌که امام نشسته پای تلویزیون این‌قدر خندیده که آقای قرائتی می‌گه رفتم اینا رو من تا منو دید خندید. خندید گفتش که: «آقا می‌خندید، حاج‌آقا آقا خب اون قصه رو داشتم می‌گفتی دیشب تو تلویزیون می‌گفتی اگه پنج قرن دست آخوند بدید نمی‌تونید بگیرید». آقا خنده‌ش برای همین داشت نگاه می‌کرد.

عزیز دل من، این‌جا مرکز شیخ طوسی‌ست. این‌جا مرکز شیخ مفیده، این‌جا مرکز علامه‌ی حلّیه، این‌جا مرکز بروجردیه. این‌جا جمکران امام زمانه. این‌جا مرکز فقهاست. ایران مهد فقهاست. این‌جا تمام ملت ایران به یک فقیهی وصلن، یا نوه‌شن یا فامیلشن، فرق می‌کنه، این ملت غریبه نیست که، اشتباهتون همین است، شما همه غریبه‌اید. همه‌تون یا زادولد کردید با سگ یا امثال این‌ها. اما این‌جا پاک‌ترین چهره‌هاست، لذا این‌جا فقط تو مازندران ۱۵۰۰ تا امامزاده داره. فقط در شیراز ۱۸۰۰ تا امامزاده تو شیراز داره. ما وصل به این امامزاده‌هاییم. کجای کارید؟ این‌جا ممکنه که جوان تتو کنه تا نقطه‌ی آتیش‌زدن قرآن بیاد، یک‌دفعه برمی‌گرده، اِ، رهبر شهیدمو زدن؟ یعنی الان مسخره‌ترین، مزخرف‌ترین هم اینترنشنال شد. الان دیگه کسی نمی‌بینه.

یعنی از بس که دروغ گفت. اونا مرکز این‌جاست. الان خودشون به جون هم افتادن پول ندارن اداره‌ش کنن. این‌جا مرکز، مرکز واقعاً نمازه. یه کلمه بگم این‌جا مرکز غدیره. گرچه غدیر تو عربستان اتفاق افتاد ولی همون روز آقا فرمودن رسول‌خدا دست گذاشت رو سر سلمان گفت: «غدیر این‌جا اتفاق افتاد، ولی، ولی، ملت همین سلمان، ملت همین سلمان، عرب را دعوت به ایمان می‌کند. عرب را دعوت به ایمان می‌کند». این‌جا مهد غدیره. ان‌شاءالله فردا شب هم شب درس اخلاق منه، هم شب درس غدیره، هم ان‌شاءالله خدمتتون عرضیم دوستان برنامه‌هایی می‌خوان اجرا کنن، سرود خونده بشه، منم صحبت می‌کنم. حالا مختصر صحبت می‌کنیم چون‌که دیگه همون خود اون تجلی غدیر برای ما مهمه. اصلاً تجلی غدیر برای ما مهمه. عظمت این تجلی. لذا هیچ‌وقت عقب‌نشینی نکنید، دقیقاً با شناسه‌ی رهبر شهیدمون برید جلو. شناسه‌ای داده که برای تا ظهور امام زمان شما رو بسته. مرد دانشمندی بود ایشون، شناسه‌هاش خیلی قویه، همه‌ش مطابق قرآنه دیدید که، مطابق آیاته. نصرالله لنا ولکم ان‌شاءالله، والسلام علیکم ورحمةالله.